امام حسین علیه السلام
ازنگاه نبوی



احمدمحیطی اردکانی


بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام از نگاه نبوی

نویسنده:

احمد محیطی اردکانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین(ع) از نگاه نبوی

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: محیطی اردکانی، احمد۱۳۳۵-

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین (ع) از نگاه نبوی [منبع الکترونیکی] / احمد محیطی اردکانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۶ بایگانی: ۳۹.۱KB)

موضوع: حسین بن علی(ع)، امام سوم

مقدمه

اساسی ترین مسأله در هر مکتبی، حفظ و نگهداری آن از انحرافات و تضمین بقای آن است که این افتخار در مکتب اسلام و تشیّع به نام اباعبداللّه الحسین علیه السلام ثبت شده است. بدین جهت بارها پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«حسینٌ منّی و انا مِن حسینٍ» [۱] ؛ حسین از من است و من از حسینم. یعنی نه تنها حسین فرزند من می باشد، بلکه بقای دین و آیین من نیز از اوست و اسلام به واسطه فداکاری و جانبازی او و یارانش باقی می ماند.در این گفتار کوتاه، بر آن شدیم تا گوشه ای از شخصیّت والای امام حسین علیه السلام را از نگاه درّ یکتای خلقت، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به تماشا بنشینیم.

واسطه فیض انبیا

اکثر انبیای الهی، به ویژه پیامبران اولوالعزم، هرگاه به مشکلی بزرگ برخورد نمودند، برای حلّ آن، خداوند متعال را به انوار طیّبه پنج تن آل عبا علیهم السلام سوگند می دادند. [۲] برخی از آنها وقتی به نام امام حسین علیه السلام می رسیدند، غمگین می شدند و اشک می ریختند. وقتی از علت آن سؤال کردند، خبر شهادت مظلومانه اباعبداللّه الحسین علیه السلام را شنیدند و به عزاداری پرداختند.ابن عباس می گوید: از پیامبرگرامی اسلام سؤال کردم: آن کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت نمود و به واسطه آن توبه اش پذیرفته شد، چه بود؟پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حضرت آدم از خدا خواست به حقِ محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام توبه اش پذیرفته شود. خداوند نیز توبه او را قبول کرد. [۳] .در الدّرّالثّمین، در تفسیر قول خداوند: «فتلقّی آدم مِن رَبِّهِ کلماتٍ» این

گونه آمده است: حضرت آدم بر ساق عرش، نام های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام را مشاهده کرد و جبرئیل به او تلقین کرد که بگوید: «یا حمیدُ بِحقِّ محمدٍ، یا عالِیُ بحقِّ علیّ، یا فاطرُ بحقِّ فاطمةَ، یا مُحسنُ بحقِّ الحسن و الحسین و منکَ الاحسانُ»هنگامی که حضرت آدم علیه السلام نام امام حسین علیه السلام را بر زبان جاری ساخت، گریان شد و قلبش خاشع گردید. حضرت آدم علیه السلام گفت: ای جبرئیل! چرا پس از گفتن نام حسین، قلبم شکست و اشکم جاری گردید؟جبرئیل خبر شهادت امام حسین علیه السلام و چگونگی مصائب او را تشریح نمود و هردو چون مادر جوان مرده، عزاداری و گریه و ناله نمودند. [۴] .نظیر این توسّلات و خبریافتن از شهادت امام حسین علیه السلام برای نوح، ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام زکریّا، سلیمان، موسی، عیسی علیهم السلام، نیز ذکر شده است. [۵] .این که خداوند متعال قبل از تولد امام حسین علیه السلام در عالم دنیا، پیامبران و اولیای خودش را با حادثه عاشورای حسینی آشنا می کند و چشم آن ها را اشک بار می سازد، از عظمت و ارزش والای حسین بن علی علیه السلام و قیام و شهادت وی حکایت می کند، گرچه دست یابی به فهم عمیق آن، در فکر بشر نمی گنجد.

عترت پیامبر

پیامبر گرامی اسلام، بارها امیرمؤمنان، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را به عنوان عترت و اهل بیت خود معرفی نمود و در موقعیت های مختلف و حوادث گوناگونی آنها را عِدل قرآن قرار داد و پذیرش ولایت و اطاعت آنها را بر همه لازم دانست.روایات زیادی در این زمینه از شیعه و اهل سنّت نقل شده است که بعضی

از آنها را در این جا یادآور می شویم.

آیه تطهیر

ام سلمه می گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه من بود. دخترش، فاطمه علیها السلام غذایی از آرد و شیر (حریره) برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شوهر و دو فرزندت را نیز دعوت کن. ام سلمه می گوید: علی، حسن و حسین علیهم السلام آمدند و از آن غذا تناول کردند و در زیر کسای پیامبر قرار گرفتند و من در اتاق خودم مشغول نماز بودم. پس خداوند متعال این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمود: «انّما یُریدُ اللّهُ لیذهب عنکم الرّجس اَهلَ البیتِ و یُطهّرکم تطهیراً» [۶] ؛ خداوند متعال اراده فرمود تا ناپاکی ها را از شما، اهل بیت دور سازد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دامن کسا را گرفت و همه را پوشاند و دست خود را از کسا بیرون آورد و به سوی آسمان دراز کرد و گفت:این ها افراد برگزیده و اهل بیت من هستند. خدایا! پلیدی و ناپاکی را از اینها دور نما. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این جمله را دوبار تکرار نمود.ام سلمه می گوید: من نزد آنها رفتم و عرض کردم: یا رسول اللّه! آیا من نیز با شما هستم؟پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خوب هستی، تو خوب هستی [۷] (کنایه از این که از اهل بیت نیستی، گرچه تو انسان خوبی هستی.)این روایت، در کتب روایی شیعه و بسیاری

کتب اهل سنّت آمده است. [۸] .نظیر این روایت در مورد آیه مباهله ذکر شده است.

حدیث ثقلین

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها فرمود: «انّی تارک فیکم الثّقلین ما اِن تمسّکتُم بهما لن تضلّوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر، کتاب اللّه حبل ممدود من السّماء الی الارض، و عترتی أهل بیتی، و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض، فانظروا کیف تخلّفونی بهما»؛ [۹] .«من (از میان شما می روم و) دو چیز گران بها را در میان شما می گذارم. اگر بعد از من، به آن دو تمسک نمایید گمراه نمی شوید. یکی از آن دو از دیگری بزرگ تر است و آن، کتاب خدا (قرآن کریم است که چون) ریسمانی از آسمان به زمین کشیده شده است. (یک سر آن به دست خدا و سر دیگر آن به دست مردم است.) و (دیگری) عترت و اهل بیت من هستند و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس دقّت کنید، با عترت من چگونه رفتار خواهید کرد.»این روایت از شیعه و اهل سنّت به حدّ تواتر نقل شده است و جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی گذارد. [۱۰] .عبداللّه بن یحیی می گوید: همراه امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به سوی صفّین در حرکت بودیم. نزدیک نینوا رسیدیم. حضرت علی علیه السلام فریاد زد: ای عبداللّه! صبر کن!آن حضرت فرمود: روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم که از چشمانش اشک می ریخت. عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، چرا گریه می کنی؟ آیا کسی شما را رنجانده است؟فرمود: نه، بلکه جبرئیل خبر

شهادت حسـین علیه السلام را در شطّ فرات برایم آورده است. آیا می خواهی از تربتش ببویی؟عرض کردم: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم مشتی از خـاک را به من داد. بی اختیـار گریسـتم. فرمود: نام آن سـرزمین «کربلا» ست.وقتی حسـین علیه السلام دوساله شد، پیامبر به سفری رفت و در بین راه، کلمه استرجاع «انّا للّه و انّا الیه راجعون»را بر زبان جاری ساخت و اشک از دیدگانش فرو ریخت. از علت گریه آن حضرت سؤال شد. آن حضـرت فرمود: جبرئیل از سـرزمینی در کناره شطّ فرات به من خبرداد که نام آن کربلاست. فرزندم، حسـین در آن جا کشـته می شود. مثل این است که الآن قتلگاه و محلّ دفن او را می بینم و گویا مشاهـده می کنم (اهل بیتش) را که چون اسـیران بر محمل ها سوار می شونـد و سـر بریده فرزندم، حسـین را برای یزیـد لعنه اللّه علیه هـدیه می برند. به خدا سوگند! هیچ کس نیست که به سـر بریده حسـین علیه السـلام نگاه کند و خوشـحال شود، مگر این که (منافق است و) خداونـد بین دل و زبانش جـدایی قرار می دهـد و عـذاب دردناکی در انتظارش است.سـپس پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم غمگین و محزون از سـفر بازگشت، بر منبر بالا رفت، حسن و حسـین علیهما السـلام را نیز با خود بر بالای منبر برد و خطبه خواند و مردم را موعظه نمود. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم پس از این که از سخنرانی فارغ گشت، دست راست را روی سـر حسن و دست چپ را روی سـر حسـین نهـاد و فرمود:«اللهمّ اِنَّ محمّـداً عَبـدُکَ و رسولُـکَ و هذانِ

أَطائِبُ عِتْرَتی و خیارُ اُرُومتی و اَفْضَلُ ذُرِّیَتی...؛ خدایا! محمد، بنده و فرستاده توست، و این دو پاکیزه ترین عترت من و برگزیده ترین خاندان من و برترین ذرّیه من هستند... جبرئیل به من خبرداد این فرزندم به وسیله سمّ شهید می گردد و آن یکی در میدان جنگ به خون می غلتد.خدایا! شهادت را بر آنها مبارک گردان و آنها را از سروران شهدا قرار بده. خدایا! قاتل و کشنده وی را مبارک نگردان و او را خوار و ذلیل بساز و حرارت آتش را به او بچشان و او را در پایین ترین منازل جهنّم جای بده.»مردم گریه و ناله نمودند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود: ای مردم! شما برای حسین گریه می کنید و یاری اش نمی کنید! خدایا! تو ولی و یاورش باش.سپس فرمود: ای مردم! من از میان شما می روم و دو چیز گران بها را در بین شما باقی می گذارم: کتاب خدا و عترت و اصل و میوه دلم و جان خودم. این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا این که در روز قیامت بر لب حوض کوثر بر من وارد شوند. من از شما چیزی نمی خواهم جز آنچه را که خداوند مرا مأمور ساخته است تا از شما بخواهم و آن، دوستی اهل بیت من است.بر حذر باشید از این که در قیامت بر لب حوض در حالی با من ملاقات کنید که اهل بیت من از سوی شما اذیّت شده باشند و بر آنها ظلم کرده یا آنها را به قتل رسانده باشید.آگاه باشید! امت در روز قیامت در سه گروه، هر کدام با پرچمی خاص نزد من

می آینـد؛ گروهی با پرچم سـیاه وارد می شونـد. آنها افرادی هسـتند که ملائکه از اعمال زشت آنها شـیون می کنند. وقتی در مقابل من قرار می گیرند، از آنها سؤال می کنم: شـما کیستید؟ آنها در حالی که نام مرا فراموش کرده اند، می گویند: ما عرب و یکتا پرست هستیم. می گویم: من احمد، پیامبر عرب و عجم هسـتم. می گویند: ما از امّت تو هستیم. می گویم: با کتاب خدا و اهـل بیت من، بعـد از من چگونه رفتـار نمودیـد؟ می گوینـد: کتـاب خـدا را ضـایع نمودیم و عترت شـما را بـا جـدّیّت تمام خواستیم از روی زمین برداریم و نابود سازیم.بعد از شنیدن این سخنان، از آنها رو می گردانم و آنها تشنه و رو سیاه برگردانده می شوند.سپس گروه دیگری با برچم سیاه تری می آینـد. می گویم: شـما با ثقلین، یعنی کتاب خـدا و عترت من، بعد از من چگونه رفتـار نمودیـد؟ می گوینـد: باثقلِ اکبر، یعنی قرآن مخالفت کردیم و ثقلِ اصـغر، یعنی عترت و اهل بیت شـما را هرچه توانستیم، اذیّت نمودیم. می گویم: از من دور شویـد! آنها را با روسـیاهی و عطش باز می گردانند.سـپس گروه سوم با پرچمی روشن و چهره هایی نورانی نزد من می آینـد. می گویم: شـما کیستیـد؟ می گویند: ما از امت محمد مصـطفی صـلی الله علیه و آله و سـلم و اهل کلمه توحید و تقوا هستیم. ما از بازماندگان اهل حق و حقیقت می باشـیم. به کتاب خدا عمل نمودیم، حلال آن را حلال و حرام آن را حرام دانستیم، ذرّیه پیامبر خاتم را دوست داشتیم و بـدان گونه که یار و مددکار خود بودیم. آنها را یاری نمودیم و با دشمنانشان جنگیدیم.پس به ایشان می گویم: بشارت باد بر شما! من پیامبر

شما محمّد هستم. در دنیا همان گونه که گفتید، بودید.سپس از آب کوثر به آنها می نوشانم. سیراب و خوشحال از آنجا باز گردانده می شوند و داخل بهشت می گردند و برای همیشه در آنجا می مانند. [۱۱] .

پاره تن پیامبر

امام صادق علیه السلام می فرماید: به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند که امّ ایمن شب و روز گریه می کند. وی را به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند. آن حضرت پرسید: چرا گریه می کنی؟گفت: خوابی دردناک دیده ام.فرمود: خوابت را بگو.گفت: بر من سخت است که خواب را بر زبان آورم.فرمود: خوابت آن گونه نیست که می پنداری.گفت: یا رسول اللّه! شبی در خواب دیدم پاره ای از پیکرت جدا شد و در خانه من افتاد.فرمود: امّ ایمن! آسوده باش! فاطمه پسری به دنیا می آورد، تو او را پرورش می دهی و نگهداری اش می کنی. او پاره تن من است که در خانه تو خواهد بود.امّ ایمن می گوید: روز هفتم، نوزاد را به نزد پیامبر بردم. حضرت فرمود: آفرین بر تو و نوزادی که در بغل داری! این است تعبیر خواب تو. [۱۲] .

خبر شهادت

آنچه بیش تر از هرچیز در زندگی ابا عبداللّه الحسین علیه السلام خصوصاً در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از زبان آن حضرت به چشم می خورد، این است که در حوادث زیادی، خبر از شهادت آن حضرت به میان می آید و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و همسران آن حضرت و اهل بیت علیهم السلام به یاد کربلا و حوادث دل خراش آن، اشک می ریزند.قیام و شهادت امام حسین علیه السلام نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود؛ در صدر اسلام دو هجرت واقع شده: هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه، که برای پایه گذاری مکتب نجات بخش اسلام بوده و هجرت امام حسین علیه السلام از مدینه

به مکّه و سپس به طرف کربلاء که برای حفظ آن بود.پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می دانست که شهادت امام حسین علیه السلام اسلام را تا ابد حفظ می کند؛ به همین خاطر آن حضرت بیش ترین کلامش را در معرّفی امام حسین علیه السلام و راه و روش او و شهادتش به کار گرفت.

تربت سرخ

امام باقر علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه امّ سلمه بود. سفارش کرد: کسی نزد من نیاید. طولی نکشید که حسین علیه السلام در حالی که کودک بود، وارد شد و سراغ پیامبر را گرفت و بلافاصله خودش را به پیامبر رساند.امّ سلمه می گوید: به دنبالش دویدم (شاید مانع شوم). وقتی به او رسیدم، دیدم حسین صلی الله علیه و آله و سلم روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته است و پیغمبر گریه می کند و چیزی در دست دارد.پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امّ سلمه! این جبرئیل است که به من خبر می دهد حسینم کشته خواهد شد. این هم خاک سرزمینی است که حسین در آنجا شهید می شود. آن را نزد خود نگهدار. هر وقت به خون تبدیل شد، حسینم کشته گردیده است.امّ سلمه عرض کرد: یا رسول اللّه! از خدا بخواه از او دفع کند.فرمود: خواستم و خدا وحی کرد: این درجه ای است که هیچ کس بدان نرسد (جز حسین علیه السلام). حسین، هر یک از پیروان خود را که شفاعت کند، پذیرفته می شود. حضرت مهدی علیه السلام فرزند او است. خوشا به حال کسی که از دوستان و پیروان حسین باشد! به خدا قسم آنها در روز قیامت رستگارند.

.[۱۳]

راز بوسه های پیامبر

امام باقر علیه السلام می فرماید: شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بود که چون حسین علیه السلام نزد او می آمد، او را به پیش خود می کشانید و به امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: حسین را نگهدار. سپس جای جای بدن او را می بوسید و می گریست. حسین سؤال می کرد که: پدرجان! چرا گریه می کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: پسرجانم! جای شمشیرهایت را می بوسم و می گریم. [۱۴].

فضائل و ویژگی ها

اشاره

اباعبداللّه الحسین علیه السلام سومین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، امامی معصوم، تربیت یافته در خانه عصمت و طهارت، تعلیم یافته از سرچشمه وحی و رسالت و پرورش یافته در دامن خاتم پیامبران، دارای فضائل و ویژگی های زیادی است که بعضی از آنها را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متذکّر می شویم:

نامگذاری

حضرت امام رضا علیه السلام می گوید: «چون امام حسین علیه السلام متولد شد، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به اسماء بنت عمیس فرمود: فرزندم را بیاور. اسماء می گوید: حسین را در جامه سفیدی پیچیدم و به خدمت حضرت رسول بردم. آن حضرت او را گرفت و در دامن گذاشت. سپس در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفت.جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: چون علی علیه السلام نسبت به تو به منزله هارون نسبت به موسی علیه السلام است، پس او را به نام پسر کوچک هارون که «شبیر» است، نامگذاری کن و چون زبان تو عربی است، او را «حسین» بنام.» [۱۵].

خلیفه الله در زمین و سرور جوانان بهشت

ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین اصحاب نشسته بود، حسن علیه السلام وارد شد. تا نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر او افتاد، گریست و فرمود: نزدیک بیا. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به نزدیک خود کشید و بر زانوی راست خود نشاند. طولی نکشید، حسین علیه السلام وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا او را دید، گریه کرد و او را نزدیک خود برد و بر زانوی چپ خود نشاند. سپس فاطمه علیها السلام وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دیدن او گریان شد و او را طرف راست خود نشاند.پس از آنها، حضرت علی علیه السلام وارد شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دیدنش، اشک ریخت و او را در طرف چپ

خود نشاند.اصحاب گفتند: ای پیامبر! هر کدام از آنها را مشاهده کردی، گریه نمودی! آیا در بین آنها هیچ کس نبود که با دیدنش مسرور شوی؟پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در گفتاری طولانی به اوصاف آنها پرداخت و خبر شهادت آنها و مکر و حیله و ظلم امتش در باره آنها را بیان فرمود.آن حضرت در باره امام حسین علیه السلام چنین بیان داشت: «وَ امّا الحسینِ، فَاِنَّهُ مِنّی وَ هُوَ ابْنی وَ وَلَدی وَ خَیْرُالْخَلْقِ بَعْدَ اَخیهِ وَ هُوَ امامُ المُسلمینَ و مَولیَ المُؤمنینَ و خَلیفَهُ رَبِّ العالمینَ...؛ حسین از من است. او فرزند من و بعد از برادرش، بهترین فرد بین مردم، است. او پیشوای مسلمانان، سرور و مولای اهل ایمان، جانشین پروردگار جهانیان، فریادرس درماندگان، پناهِ پناه خواهان و حجّت خدا بر تمام جهانیان است».پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه سخنانشان فرمود:«وَ هُوَ سَیِّدُ شَبابِ اَهْلِ الْجَنّه وَ بابُ نجاهِ الاُمَّه، اَمْرُهُ اَمْری وَ طاعَتُهُ طاعَتی...؛ او سرور جوانان بهشت و بابِ نجات امت است. فرمان او، فرمان من است و فرمانبرداری از او، فرمانبرداری از من است. کسی که از او پیروی کند، از من است و کسی که با او مخالفت کند، از من نیست.» [۱۶] .

زینت آسمان ها و زمین

امام حسین علیه السلام می فرماید: هنگامی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم که اُبَیّ بن کعب نزد آن حضرت بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: «مَرْحَباً بِکَ یا اَباعَبْدِاللّهِ یا زَیْنَ السَّماواتِ وَالاَرْضِ؛ خوش آمدی ای اباعبداللّه! ای زینت آسمان ها و زمین!»اُبَیّ گفت: ای

رسول خـدا! چگونه فرد دیگری غیر از شـما، زیور آسـمان ها و زمین است؟فرمود: سوگنـد به خـدایی که مرا بحق، به پیامبری برانگیخت! حسـین بن علی در آسـمان ها بزرگوارتر است تا در زمین. سـمت راست عرش خدای عزّوجلّ نوشته است: «مصباح هُدی و سفینه نجاه...؛ (حسین) چراغ هدایت و کشتی نجات است. امامِ خیر، برکت، عزّت، فخر، دانش و ذخیره است.» [۱۷] .

ائمه از صلب حسین

بنـابر روایـات زیـادی که از پیـامبر و ائمه معصومین علیهم السـلام رسـیده است، امـام معصوم از صـلب پاک و طاهر اباعبـداللّه الحسـین علیه السلام می باشند.امام حسین علیه السلام می گوید: «من و برادرم (در خردسالی) نزد جدّمان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سـلم رفتیم. آن حضـرت من و برادرم را بر روی پاهای خود نشاند. سپس ما را بوسید و فرمود:«پدرم فدای شما دو امام صالـح باد! خداونـد شـما را از من و پدر و مادرتان برگزید. از صـلب تو ای حسـین امام (دیگر) را برگزید که نهمین آنان قائم آنان عجّل اللّه تعالی فرجه است. همه شـما در فضیلت و منزلتی که نزد خدا دارید، برابرید.» [۱۸] .در روایت دیگری آمده است که پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «روز قیامت، عرش خـدا به تمام زینت ها آراسـته می شود و امام حسن علیه السـلام بالای یکی از منبرهـا و امـام حسـین علیه السـلام بالای منبری دیگر قرار می گیرنـد. خداونـد عرش را با وجود این دو بزرگوار می آراید، همچنان که دو گوشواره، زن را می آراید.» [۱۹] .

برترین انسان

پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود:«حسن و حسـین بعـد از من و علی و مادرشـان، بهتر از همه انسان های روی زمین می باشند و مادرشان بهترین زنان عالم است». [۲۰] .در کتاب ادریس [۲۱] آمده است:«حضرت ادریس علیه السلام روزی به یاران خود رو کرد و فرمود: روزی فرزنـدان آدم علیه السـلام در باره بهترین مخلوقات خـدا بحث کردند. بعضـی گفتند: پدر ما آدم بهترین مخلوق خدا است؛ چون که خدا او را با دست قدرتش خلق کرد و روح منسوب به خود را در

او دمید و به امر او، فرشتگان به عنوان احترامِ آدم، او را سجده کردند و آدم را «معلّم فرشتگان» خواند و او را خلیفه زمین قرار داد و اطاعت او را بر مردم واجب نمود.عده ای گفتند: نه، بلکه بهترین مخلوق خدا، فرشتگانند که نافرمانی از خدا نمی کنند...گروه سوم گفتند: بهترین خلق خدا، جبرئیل است که در درگاه خدا امین وحی می باشد.گروه دیگر، سخن دیگری گفتند و گفت و گو زیاد شد، تا این که حضرت آدم علیه السلام در مجلس حاضر گشت. پس از اطلاع از ماجرا به آنها فرمود:فرزندانم! آن طور که شما فکر می کنید، درست نیست. وقتی خداوند مرا آفرید و روحش را در من دمید، بلند شدم و نشستم، در حالی که به عرش خدا می نگریستم. ناگهان پنج نور در نهایت شکوه و کمالِ درخشش را دیدم که غرق در انوار آنها شدم.عرض کردم: خدایا! این پنج نور کیستند؟فرمود: این پنج نور، نورِ «اشرف مخلوقات اند.» اینها باب های رحمت من و واسطه های بین من و مخلوقاتم هستند. اگر اینها نبودند، تو را و آسمان ها و زمین و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه را نمی آفریدم.عرض کردم: خدایا! نام اینها چیست؟فرمود: به عرش بنگر. وقتی نگاه کردم، این نام های پاک را یافتم:... محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام». [۲۲] .

فراق جانگداز

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام حسن و امام حسین علیهما السلام علاقه فراوان داشت؛ آنها نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محبّت شدید داشتند.ابن عباس می گوید: در لحظه آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حسن و

حسین در حالی که می گریستند و شیون می نمودند، به بالین پیامبر آمدند و خود را روی پیامبر افکندند. حضرت علی علیه السلام خواست آنها را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جدا کند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی! بگذار من آنها را ببویم و آنان مرا ببویند، من از دیدار آنها بهره مند گردم و آنها نیز از دیدار من بهره گیرند. این دو فرزند بعد از من، ستم ها خواهند دید و مظلومانه کشته می شوند.آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳ بار فرمود: خدا لعنت کند آنان را که به این دو فرزندم ظلم می کنند. [۲۳] .

پاورقی

[۱] الحسین و السّنّه، سیدعبدالعزیز طباطبایی، ص ۱۳.

[۲] بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۶۶.

[۳] تفسیر نورالثّقلین، عروسی، ج ۱، ص ۶۸.

[۴] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵.

[۵] همان، ص ۲۴۵ ۲۴۳؛ نفس المهموم، محدّث قمی، ترجمه کمره ای، ص ۱۶.

[۶] احزاب/ ۳۳.

[۷] کتاب خصائص الوحی المبین، یحیی بن الحسن الحلی، (ابن بطریق)، ص ۶۹؛ النّورالمشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی(ع)، ابن نعیم اصفهانی، ص ۱۸۶ ۱۷۶.

[۸] سنن التّرمذی، محمد بن عیسی بن سوره، ج ۵، ص ۶۲۱، حدیث ۳۷۸۷؛ صحیح مسلم، بشرح الامام النووی، ج ۱۵، ص ۱۹۴ و ۱۹۵؛ ترجمه ریحانه رسول اللّه الشهید الحسین بن علی بن ابی طالب(ع)، من تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ص ۷۸ ۷۶.

[۹] خلاصه عبقات الانوار فی امامه الائمّه الاطهار، ج ۱، ص ۳؛ سنن التّرمذی، ج ۵، ص ۶۲۲. [

[۱۰] خلاصه عبقات الانوار فی امامه الائمه الاطهار، ج ۱، ص ۳. (در ص ۱۷ و ۲۸، نام ۱۸۷

راوی از اهل سنّت ذکر شده است که این حدیث را نقل کرده اند.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۷ و ۲۴۸.

[۱۲] مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۷۰.

[۱۳] نفس المهموم، ص ۱۶.

[۱۴] همان، ص ۲۰.

[۱۵] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۹؛ جلاءالعیون، ص ۲۸۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۳۹۲.

[۱۶] امالی صدوق، ص ۱۰۱ ۹۹.

[۱۷] کمال الدین، صدوق، ج ۱، ص ۲۶۹ ۲۶۴.

[۱۸] موسوعه کلمات الامام الحسین، معهد تحقیقات باقرالعلوم، ص ۹۱.

[۱۹] سیره چهارده معصوم(ع)، محمدی اشتهاردی، ص ۳۰۹.

[۲۰] امام حسین آفتاب تابان ولایت، محمدی اشتهاردی، ص ۳۸.

[۲۱] همان. (کتاب ادریس در سال ۱۸۹۵ م. در لندن به زبان سریانی چاپ شد و روایت مذکور در ص ۵۱۴ و ۵۱۵ آن آمده است).

[۲۲] همان، ص ۲۱.

[۲۳] سیمای پرفروغ محمّد، ترجمه کحل البصر، محمّدی اشتهاردی، ص ۳۲۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹